

پیش‌بینی ب‌درفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ بر اساس فرسودگی و کنترل‌گری والد

صدیقه نجفی^۱، مجتبی امیری مجد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی ب‌درفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ بر اساس فرسودگی و کنترل‌گری والد بود. جامعه پژوهش را تمامی مادران دانش‌آموزان پیش‌دبستانی شهر قزوین در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند که از این میان ۹۰ نفر از بین چهار دبستان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه سنجش تعارض والد-کودک استرایوس و همکارانش (۱۹۹۸)، مقیاس فرسودگی والدینی رزکام و همکاران (۲۰۱۸) و پرسشنامه‌ی کنترل والدین PARQ بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین فرسودگی والدین با انضباط قاطعانه رابطه معکوس وجود دارد و همینطور بین فرسودگی والدین با ب‌درفتاری روانی و فیزیکی رابطه مستقیمی وجود دارد ($p < 0/05$). همچنین پذیرش و محبت با انضباط قاطعانه رابطه مستقیم ولی با ب‌درفتاری روانی و فیزیکی رابطه معکوس دارد. خصومت / پرخاشگری نیز با انضباط قاطعانه رابطه معکوس ولی با ب‌درفتاری روانی و فیزیکی رابطه مستقیم دارد. طرد والدین نیز با ب‌درفتاری روانی رابطه مستقیم و با ب‌درفتاری فیزیکی رابطه معکوسی دارد ($p < 0/05$). بین سایر متغیرها رابطه معناداری مشاهده نشد. یافته‌های این پژوهش گویای اهمیت رابطه فرسودگی و کنترل‌گری والد با ب‌درفتاری با کودک بوده و ۳۰/۴ درصد از ب‌درفتاری با کودک، توسط فرسودگی و کنترل‌گری والد قابل پیش‌بینی است.

کلید واژه‌ها: ب‌درفتاری با کودک، فرسودگی والد، کنترل‌گری والد.

۱. کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران. Mo.Amiri@iau.ac.ir

مقدمه

پدر و مادر اثربخش بودن یکی از خطرترین و مهم‌ترین وظایف والدین در زندگی است. علاوه بر نیازهای جسمانی کودکان که باید به نحو مؤثری از طرف والدین رسیدگی شود، نیازهای عاطفی آنها نیز باید از طریق پرورش عواطف، تغییر شیوه زندگی و تربیت کودکان بر مبنای اصول برابری و احترام متقابل مدنظر قرار گیرد تا در نهایت به برقراری رابطه مؤثر بین والدین و کودکان کمک نماید (سبزه، ۱۳۹۹).

بدرفتاری با کودکی به صورت آسیب فیزیکی یا روانشناختی به کودکان تعریف می‌شود که به وسیله خشونت یا سوءاستفاده توسط والدین یا دیگر مراقبان انجام می‌شود و شامل پنج بعد مهم سوءاستفاده فیزیکی، سوء استفاده هیجانی، سوء استفاده جنسی، غفلت هیجانی و غفلت فیزیکی هست، این ابعاد اغلب با هم اتفاق می‌افتند (حیدری، نریمانی، آقاجانی و بشرپور، ۱۴۰۱). علی‌رغم ماهیت پنهان کودک آزاری و اینکه اغلب از نظرها مخفی می‌ماند، بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهند که کودک آزاری در جهان شیوع زیادی دارد (میکائیلی و زمانلو، ۱۳۹۱). وقتی صحبت از فرزندان می‌شود، نگرانی مادر در مورد مسائل بهداشتی و آموزشی و حتی کارهای روزمره همه می‌تواند مادر به سمت استرس سوق دهد، این مسائل به همراه شرایط چالش برانگیز و برخی از عوامل منجر به حالتی در والدین می‌شود که به آن فرسودگی والدینی می‌گویند (رزکام، بریاند و میکولاژاک، ۲۰۱۸). والدگری می‌تواند بسیار لذت‌بخش باشد و در عین حال پراسترس باشد. زمانی که والدین منابع حمایتی لازم برای روبه‌رو شدن با استرس‌های مرتبط با فرزندپروری را نداشته باشد؛ امکان دارد دچار فرسودگی والدگری شوند. فرسودگی والدگری با خستگی بیش از اندازه مرتبط با نقش والدگری، فاصله‌گیری عاطفی از فرزند یا فرزندان و احساس بی‌کفایتی مشخص می‌شود. پژوهش‌هایی که تا کنون در مورد فرسودگی والدگری انجام گرفته نشان می‌دهد که پیامدهایی نظیر افکار فرار و خودکشی و رفتارهای غفلت‌آمیز و خشونت‌آمیز نسبت به فرزندان را در پی دارد. این نتایج ضرورت آشنایی بیشتر با سندروم فرسودگی والدگری و پیامدهای آن و همچنین راهکارهای مقابله با آن را مشخص می‌کند. امروزه پژوهش‌ها بر این هدف متمرکزند که چه عواملی باعث می‌شود والدین در برابر فرسودگی والدگری آسیب‌پذیر باشند. نتایج سه عامل را مشخص می‌کند؛ (۱) والدینی که می‌خواهند کامل باشند (والدین کمال‌گرا)، (۲) والدینی که فاقد توانایی مدیریت استرس و هیجان هستند و (۳) والدینی که حمایت‌های عاطفی و عملی لازم را از جانب والد دیگر دریافت نمی‌کنند (میکلاچک، گروس و رزکام، ۲۰۱۹).

اکثر روانشناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند. در مطالعه‌ای که توسط مونیکا^۱ (۲۰۱۸) صورت گرفت؛ نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری تاثیر مثبت و قابل توجهی در رشد اجتماعی نوجوانان دارد. سبک‌های فرزندپروری در واقع به ترکیب استراتژی‌هایی که برای رشد فرزند خود اتخاذ کرده‌اید اشاره دارد. این سبک‌ها را می‌توان برحسب دو عامل محبت و کنترل پدر و مادر به چهار دسته تقسیم کرد: سبک

مستبدانه؛ والدین دارای سبک مستبد برای انضباط ارزش خیلی زیادی قائلند. قوانین سخت گیرانه‌ای وضع می‌کنند و سعی می‌کنند کنترل خیلی بالایی بر کودک داشته باشند. در عوض این والدین اهمیت کمتری به احساسات و هیجانات کودک می‌دهند صمیمیت عاطفی کمتری با کودک ایجاد می‌کنند. سبک سهل گیرانه؛ والدین دارای سبک سهل گیرانه بیشتر اجازه می‌دهند کودک هر کاری دوست دارد انجام دهد و هدایت و جهت دهی کمتری نشان می‌دهند. آنها با کودک خود بیشتر شبیه دوست هستند تا والد. این والدین معمولاً خیلی ملایم و بامدارا هستند. سبک فرزندپروری طردکننده؛ والدین طردکننده درگیری کمی با کودک خود دارند. به عبارتی خیلی کاری به کار کودک خود ندارند. آنها زمان خیلی کمی را با کودک خود می‌گذرانند. این والدین اطلاع کمی نسبت به وضعیت کودکشان دارند. آنها قوانین تربیتی زیادی نمی‌گذارند. کودکان آنها نه تنها هدایت زیادی دریافت نمی‌کنند، بلکه رقبت و توجه زیادی هم نمی‌گیرند. به عبارتی والدین طردکننده انتظار دارند کودکان خودشان بزرگ شوند. سبک فرزندپروری مقتدرانه؛ والدین دارای سبک مقتدر، تلاش زیادی برای ایجاد و حفظ یک رابطه مثبت با کودکشان می‌کنند. آنها در تربیت کودک قانون وضع می‌کنند و پیامد عدم رعایت قوانین را اجرا می‌کنند. اما احساسات کودک را در هر موقعیت در نظر می‌گیرند (به نقل از شاهواروقی فراهانی، ۱۴۰۱). با توجه به پژوهش‌های انجام شده، در مورد انواع شیوه‌های فرزند پروری، یکی از عواملی که به رشد کودکان و نوجوانان آسیب‌زده و باعث بروز مشکلات رفتاری می‌شود، شیوهی فرزند پروری مستبدانه است (کوستا، سانتی، دی فرونسو، مونتسانو، گروتولا، کیوفی، ۲۰۲۰).

بنابراین، با توجه به نتایج مربوط به اثرات منفی کنترل کردن در روابط والد-فرزند، محققان در پی اندازه‌گیری انواع کنترل والدین و تأثیر آن بر کودکان و نوجوانان برآمده‌اند (لئون-دل-بارکو، مندو-لازارو و پولو-دل-ریو^۱، ۲۰۱۹). از این‌رو، دو نوع کنترل والدین که بیشترین تأثیر را بر فرزندان داشته‌اند شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند که شامل کنترل روان‌شناختی والدین و کنترل رفتاری والدین می‌شوند. کنترل روان‌شناختی شامل کنترل افکار و احساسات فرزندان است که مخل رشد روان‌شناختی و هیجانی کودک می‌شود و کنترل رفتاری شامل کنترل و مدیریت رفتارهای فرزندان می‌شود (کوپنز و سولمانس^۲، ۲۰۱۹). پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی کنترل روان‌شناختی به‌وضوح ارتباط بین این متغیر و مشکلات درونی و بیرونی را حمایت می‌کنند؛ همچنین ارتباط مثبت بین کنترل روان‌شناختی با تعارض با والدین و مشکلات سازگاری مشاهده شده است (کوستا، سانتی، دی فرونسو، مونتسانو، گروتولا و کیوفی^۳، ۲۰۲۰).

با توجه به نتایجی که از پژوهش سلام و مونتس^۴ (۲۰۱۶) به دست آمده، سطح بالاتر کنترل رفتاری مادرانه با سطح پایین‌تر اضطراب، پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری ارتباطی و تعارض با دوستان ارتباط دارد؛ اما سطح بالای کنترل روان‌شناختی مادرانه با سطوح بالاتر اضطراب و پرخاشگری فیزیکی

1. León-del-Barco, Mendo-Lázaro, Polo-Del-Río, López-Ramos
2. Kuppens, Ceulemans
3. Costa, Santi, di Fronso, Montesano, Di Gruttola, Ciofi
4. Salaam & Mounts

مرتبط می‌باشد (به نقل از رضوی اصطهباناتی، ۱۳۹۵). همین‌طور میکلاچک و رزکام (۲۰۱۷) طی مطالعاتی دریافتند که استرس والدینی احتمال مورد آزار قرار دادن کودکان را افزایش می‌دهد. همین‌طور فرسودگی والدگری بیش از فرسودگی شغلی منجر به رفتارهای غفلت‌آمیز و خشونت‌های کلامی و جسمانی نسبت به کودکان می‌شود.

همچنین لی ویگوروکس، اسکولا، رایس، میکولاچک و روزکام (۲۰۱۷) طی پژوهشی دریافتند که رابطه حمایت‌گرانه والدین از فرزند و تعامل رضایت‌بخش بین دو والد با کاهش فرسودگی در آنها ارتباط دارد. والدینی که در آغاز و حفظ روابط عاطفی مثبت با فرزندانشان با دشواری مواجه هستند، از شناسایی و پاسخ به نیازهای آنها ناتوانند و در فراهم کردن محیطی منسجم و ساختارمند برای آنها ضعیف عمل کرده و علائم فرسودگی والدینی را بیشتر تجربه می‌کنند. مطابق پژوهش‌های انجام شده در مقایسه با زمان‌های قبل از شیوع کووید-۱۹، به دلیل سطح بالاتر مشکلات عاطفی، خودتنظیمی و رفتاری کودکان، فشار زیادی بر والدین وارد می‌شود (جیانو، وانگ، لیو، فانگ، جیانو، پتوللو-منتونو و سومخ، ۲۰۲۰؛ ارگیلس، مورالز، دلویچو، مازسچی و اسپادا، ۲۰۲۰؛ ایکسای، ایکسو، ژائو، لیو، ژانگ و سونگ، ۲۰۲۰). مانجا، محمد، اسماعیل و یوسف (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که در همه‌گیری کووید-۱۹، والدین به دلیل تشدید مشکلات، بیشتر در معرض فرسودگی والدینی هستند.

گرفیت (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای بیان کرد که والدین با فرسودگی والدینی بالاتر، در فرار و خودکشی نیز نمرات بالاتری دارند، با شریک زندگی شان بیشتر درگیر می‌شوند، احساس بیگانگی بیشتری به خانواده دارند و سطوح بالاتری از کودک‌آزاری و بی‌توجهی عاطفی دارند. هابرت و اجولا (۲۰۱۸) طی پژوهشی دریافتند که مادران مبتلا به سندروم فرسودگی والدگری مواردی از تحت فشار بودن از ناحیه‌ی عوامل درونی و معیارهای اجتماعی همچنین کنترل ناآگاهانه بیش از حد فرزندان را مطرح می‌کنند که نهایتاً منجر به احساس ناامیدی، تحریک‌پذیری و اشباع شدن می‌شود که راه را برای از پا افتادن هموار می‌کند. نتایج مطالعات ویگوریکس و اسکولا (۲۰۱۸) در مطالعه خود دریافتند مادران جوانی که از سن ازدواج آنها مدت زیادی نگذشته است هم‌زمان با احساس نبود موفقیت در ایفای نقش مادری، بیشتر از دیگر مادران از وظایف والدینی احساس خستگی مفرط دارند.

میکولاچک، بریندا، آلوسی و روزکام (۲۰۱۸) نیز مشخص کردند که وجود ظرفیت مشارکت در مسئولیت‌های فرزندپروری می‌تواند فرسودگی و خستگی را از وظایف و مسئولیت‌های والدینی کاهش دهد. نتایج حاصل از مطالعه زادافشار، خردمند و فرامرزی (۱۴۰۰) حاکی از این است که بحران همه‌گیری کرونا، آثار قابل توجهی بر کودکان، والدین و نیز نوع رابطه والدین با فرزندانشان داشته و به دنبال افزایش استرس وارد شده بر والدین، احتمال فرسودگی آنها و کودک‌آزاری افزایش یافته است. احمدآبادی، برخوردار احمدآبادی و آریانپور (۱۴۰۰)، نشان دادند که فرسودگی والدینی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ احتمال غفلت والدینی مرتبط با دانش‌آموزان ابتدایی را افزایش می‌دهد و فرسودگی والدینی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ احتمال کودک‌آزاری را در دانش‌آموزان ابتدایی را افزایش

می‌دهد و بر اساس یافته‌ها، نتیجه گرفتند که کووید-۱۹ از عوامل موثر در بروز فرسودگی والدینی بوده و این مساله احتمال بدرفتاری با دانش‌آموزان ابتدایی را افزایش می‌دهد.

در پژوهشی که توسط حلاج مزیدلوئی (۱۳۹۳) صورت گرفت، یافته‌ها نشان داد میانگین نمره کل نگرش والدین نسبت به کودک آزاری به‌طور معنی‌داری بالاتر از حد متوسط است و با سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، وضعیت سرپرستی و میزان درآمد والدین رابطه دارد. در نتیجه اگرچه والدین نگرش منفی به کودک آزاری داشتند ولی به علت وجود ارتباط بین بعضی از مشخصات دموگرافیک والدین با نگرش آن‌ها لازم است با بهبود وضعیت معیشتی خانواده‌ها و افزایش حمایت‌های معنوی و اجتماعی از آن‌ها، نگرش آن‌ها را ارتقا داد و از کودک آزاری پیشگیری نمود.

با توجه به مطالعات پیشین، بیشتر به نقش مشکلات رفتاری کودکان در ارتباط با فرسودگی و کنترل‌گری والد اشاره شده است که این مشکلات رفتاری در دوره همه‌گیری کرونا و مشکلات رفتاری ناشی از محدودشدن کودکان در منزل و قرنطینه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و فرسودگی والدین غالباً بر اساس مشکلات رفتاری، یادگیری و تحصیلی بررسی شده و کنترل‌گری والد بر روی کودک مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج حاکی از این است که کنترل بیش از حد کودک، منجر به فشار روانی و مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری فرزند می‌شود (سالام و مونتس، ۲۰۱۶؛ به نقل از رضوی اصطهباناتی، ۱۳۹۵).

لذا این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا بدرفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ بر اساس فرسودگی و کنترل‌گری والد قابل پیش‌بینی است؟

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی مادران دانش‌آموزان پیش‌دبستانی شهر قزوین در سال ۱۴۰۱ بود (۵۸۱۵ نفر). روش انتخاب نمونه به‌صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. بدین‌صورت که ابتدا از بین نواحی قزوین به‌صورت تصادفی یک ناحیه انتخاب شده، سپس از آن ناحیه چهار مدرسه ابتدایی را به‌صورت تصادفی انتخاب نموده و سپس از هرکدام از این مدارس، یک کلاس پیش‌دبستانی (در مجموع چهار کلاس) را در نظر گرفته و نمونه‌های پژوهش (مادران دانش‌آموزان) از بین آنان به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه سنجش تعارض والدین - کودک استرایوس، هامبی، فینکلهور، موری و رونیان (۱۹۹۸)، مقیاس فرسودگی والدینی رزکام و همکاران (۲۰۱۸) و پرسشنامه کنترل والدین PARQ استفاده شده است.

پرسشنامه سنجش تعارض والدین-کودک (CTSPC)^۱: این مقیاس دارای ۲۲ سؤال ۸ گزینه‌ای و ۳ زیر مقیاس (انضباط قاطعانه، بدرفتاری روانی و بدرفتاری فیزیکی) می‌باشد که توسط استرایوس و همکارانش (۱۹۹۸) طراحی شد. این پرسشنامه برای سنجش شیوع و شدت زیر مقیاس‌ها طراحی شده است. اعتبار درونی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ به دست آمده و ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس بدرفتاری فیزیکی ۰/۵۵، بدرفتاری عاطفی، انضباط قاطعانه و غیر خشن ۰/۷ محاسبه شده است. در ایران پس از ترجمه پرسشنامه، برای حصول اطمینان، اعتبار آن از روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ محاسبه شد (امینی، ۱۳۷۷). مؤلفان، روایی پرسشنامه CTSPC را از طریق روایی سازه بررسی کردند. آن‌ها همبستگی بین نمرات زیر مقیاس‌ها و ویژگی‌های جمعیت شناختی مرتبط با بدرفتاری با کودک از قبیل سن والد، سن فرزند، نژاد، قومیت، جنسیت والد را بررسی کردند و بدین ترتیب روایی سازه پرسشنامه CTSPC تأیید گردید (استرایوس و همکاران، ۱۹۹۸). در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسشنامه در زیرمقیاس‌های انضباط قاطعانه، بدرفتاری روانی و بدرفتاری فیزیکی و کل مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۷۶، ۰/۸۸ و ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس سنجش فرسودگی والدینی^۲: این مقیاس اولین بار با ۲۳ گویه توسط رزکام و همکاران (۲۰۱۸) ساخته شد که برای ارزیابی میزان خستگی و فرسودگی والدین ناشی از وظایف فرزند پروری در طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از هرگز (صفر) تا همیشه (شش) در چهار خرده مقیاس شامل خستگی از نقش والدینی خود، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بی‌زاری از نقش والدینی و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی است. دامنه ممکن نمرات بین صفر تا ۱۳۸ قرار دارد. نمرات نزدیک به صفر، نداشتن علائم فرسودگی و نمرات نزدیک به طیف انتهایی، فرسودگی شدید والدین را بیان می‌کند. در پژوهش موسوی (۱۳۹۷)، پایایی خرده مقیاس‌های خستگی از نقش والدینی، تقابل با خود والدینی در گذشته، احساس بی‌زاری از نقش والدینی، فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی و کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۶۹، ۰/۹۶ محاسبه شد.

در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسشنامه در زیرمقیاس‌های خستگی از نقش والدینی خود، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بی‌زاری از نقش والدینی و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدینی و کل مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۸، ۰/۹۱، ۰/۷۲ و ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی کنترل والدین^۳ PARQ: در این پژوهش از نسخه اسپانیایی، پرسشنامه رد / کنترل پذیرش والدین^۴ استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۹ سؤال در مقیاس لیکرت است (گزینه‌ی ۴ تقریباً همیشه درست گزینه‌ی ۱ تقریباً هرگز صادق نیست) که پذیرش / طرد والدین و کنترل رفتارهای

1. parent-child conflict tactics scale(CTSPC)
2. Parental Burnout Assessment
3. Parental Acceptance-Rejection Questionnaire
4. Parent PARQ / Control

فرزندانشان را ارزیابی می‌کند. ساختار نسخه اصلی شامل: گرما / عامل محبت (۸ مورد)، خصومت / پرخاشگری (۶ مورد)، بی‌تفاوتی / غفلت (۶ مورد)، طرد تمایز نیافته (۴ مورد) و ضریب کنترل (۵ مورد) است. سازگاری عوامل در نسخه مادرانه: گرمی / محبت بین ۰/۷۸ و ۰/۸۷ / خصومت / پرخاشگری بین ۰/۷۸ و ۰/۸۷، بی‌تفاوتی / غفلت بین ۰/۵۲ و ۰/۶۹ و بی‌تفاوتی / عدم پذیرش بین ۰/۵۳ و ۰/۶۹ است. این اطلاعات برای نسخه پدری در دسترس نبود (روهنر، ۲۰۰۵). ضریب آلفای کل PARQ بین ۰/۷۸ و ۰/۸۸ برای نسخه مادر و ۰/۸۴ برای نسخه پدری بود (علم بیگی، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در زیرمقیاس‌های گرمی / محبت بین ۰/۶۹ و ۰/۷۸ / خصومت / پرخاشگری بین ۰/۷۸ و ۰/۸۸، بی‌تفاوتی / غفلت بین ۰/۶۹ و ۰/۷۵ و بی‌تفاوتی / عدم پذیرش بین ۰/۶۴ و ۰/۷۸ و برای کل مقیاس بین ۰/۸۳ و ۰/۷۱ به دست آمد.

روش اجرا

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا نامه‌ای به‌عنوان مجوز پژوهشی از واحد پژوهش دانشگاه گرفته شد. سپس به آموزش و پرورش شهر قزوین مراجعه شد و طی توضیح موضوع و هدف پژوهش، درخواست همکاری شد. در مرحله بعد، لیستی از تمامی مدارس ابتدایی دارای مقطع پیش دبستانی تهیه شد و از طریق روش تصادفی خوشه‌ای، از بین نواحی قزوین، یک ناحیه انتخاب شده، سپس از آن ناحیه چهار مدرسه ابتدایی به‌صورت تصادفی انتخاب شده و از هر کدام از این مدارس، یک کلاس پیش دبستانی انتخاب شد و طی توضیح موضوع و هدف پژوهش به مدیران آن مدارس و کسب رضایت آنان، نمونه‌های پژوهش (مادران دانش‌آموزان) از بین آن مدارس و کلاس‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در ادامه با ارائه توضیحات لازم در مورد محرمانه بودن اطلاعات شخصی والدین، پرسشنامه‌های مورد نظر بین آنان توزیع شد و در نهایت پرسشنامه‌های ناقص از بین آنها کنار گذاشته شد و نتایج با استفاده نرم افزار spss-23 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

این بخش شامل فرضیه به همراه نتایج بدست آمده می‌باشد که در زیر ارائه می‌گردد.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی حجم نمونه برحسب جنسیت کودک، وضعیت اشتغال مادر، سن مادر

| درصد فراوانی تجمعی | درصد فراوانی | فراوانی | متغیر | |
|-----------------------|--------------|---------|---------------------|-------------------|
| ۶۰/۷ | ۶۰/۷ | ۵۱ | پسر | جنسیت کودک |
| ۱۰۰ | ۳۹/۳ | ۳۳ | دختر | |
| | ۱۰۰ | ۸۴ | جمع | |
| ۵۳/۶ | ۵۳/۶ | ۴۵ | شاغل | وضعیت اشتغال مادر |
| ۱۰۰ | ۴۶/۴ | ۳۹ | خانه دار | |
| | ۱۰۰ | ۸۴ | جمع | |
| ۲۸/۶ | ۲۸/۶ | ۲۴ | کمتر از ۳۰ سال | سن مادر |
| ۸۲/۲ | ۵۳/۶ | ۴۵ | ۳۱ الی ۴۰ سال | |
| ۱۰۰ | ۱۷/۸ | ۱۵ | ۴۱ الی ۵۰ سال | |
| | ۱۰۰ | ۸۴ | جمع | |
| ۱۴/۳ | ۱۴/۳ | ۱۲ | دیپلم و پایین تر | تحصیلات مادر |
| ۸۵/۷ | ۷۱/۴ | ۶۰ | لیسانس | |
| ۱۰۰ | ۱۴/۳ | ۱۲ | فوق لیسانس و بالاتر | |
| | ۱۰۰ | ۸۴ | جمع | |

پیش فرض‌های نرمال بودن داده‌ها:

جدول (۲): چولگی و کشیدگی جهت بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش

| کشیدگی | چولگی | تعداد | متغیر |
|--------|--------|-------|---------------------------------|
| -۰/۸۶۰ | -۰/۱۶۹ | ۸۴ | انضباط قاطعانه |
| -۰/۸۷۷ | ۰/۳۴۶ | ۸۴ | بد رفتاری روانی |
| -۱/۱۸۳ | ۰/۲۴۹ | ۸۴ | بدرفتاری فیزیکی |
| ۰/۱۵۹ | ۰/۰۴۰ | ۸۴ | تعارض والدین |
| -۱/۱۳۱ | ۰/۲۳۱ | ۸۴ | خستگی از نقش والدینی خود |
| -۰/۶۳۶ | ۰/۴۸۵ | ۸۴ | تقابل با خود والدینی گذشته |
| -۱/۰۰۶ | ۰/۳۲۵ | ۸۴ | احساس بی‌زاری از نقش والدینی |
| -۱/۲۵۸ | -۰/۱۹۸ | ۸۴ | فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدین |
| -۱/۱۶۰ | ۰/۱۷۴ | ۸۴ | فرسودگی والدینی |
| -۱/۰۸۰ | -۰,۳۲۰ | ۸۴ | گرما / عامل محبت |
| -۱/۱۷۰ | ۰/۰۹۵ | ۸۴ | خصوصیت / پرخاشگری |
| -۰/۷۶۴ | ۰/۵۲۲ | ۸۴ | بی تفاوتی / غفلت |
| -۱/۳۳۷ | ۰/۰۶۹ | ۸۴ | رد تمایز نیافته |
| -۱/۱۲۴ | ۰/۳۰۳ | ۸۴ | ضریب کنترل |
| -۰/۷۱۶ | -۰/۲۱۷ | ۸۴ | کنترل گری والدین |

جدول (۳): آزمون K-S جهت بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش

| متغیر | تعداد | k-s آماره | سطح معنا داری |
|---------------------------------|-------|-----------|---------------|
| انضباط قاطعانه | ۸۴ | ۰/۹۹۳ | ۰/۲۷۷ |
| بد رفتاری روانی | ۸۴ | ۱/۰۱۲ | ۰/۲۵۷ |
| بدرفتاری فیزیکی | ۸۴ | ۰/۹۰۲ | ۰/۳۹۰ |
| تعارض والدین | ۸۴ | ۰/۷۲۹ | ۰/۶۶۳ |
| خستگی از نقش والدینی خود | ۸۴ | ۱/۲۷۶ | ۰/۰۷۷ |
| تقابل با خود والدینی گذشته | ۸۴ | ۱/۱۸۱ | ۰/۱۲۳ |
| احساس بی‌زاری از نقش والدینی | ۸۴ | ۱/۱۲۱ | ۰/۱۶۲ |
| فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدین | ۸۴ | ۰/۹۷۴ | ۰/۲۹۸ |
| فرسودگی والدینی | ۸۴ | ۱/۱۹۸ | ۰/۱۱۶ |
| گرما / عامل محبت | ۸۴ | ۱/۲۰۱ | ۰/۱۰۵ |
| خصومت / پرخاشگری | ۸۴ | ۱/۰۱۴ | ۰/۲۵۵ |
| بی تفاوتی / غفلت | ۸۴ | ۱/۳۷۰ | ۰/۰۵۶ |
| رد تمایز نیافته | ۸۴ | ۱/۵۵۲ | ۰/۰۵۱ |
| ضریب کنترل | ۸۴ | ۱/۳۸۳ | ۰/۰۵۴ |
| کنترل گری والدین | ۸۴ | ۱/۰۲۶ | ۰/۲۴۳ |

فرضیه اول: فرسودگی والد با بدرفتاری با کودک در دوره همه گیری کووید ۱۹ رابطه دارد.

جدول (۴): ماتریس همبستگی فرسودگی والد با بدرفتاری با کودک

| متغیرها | M | SD | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ |
|---------------------------------|-------|-------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|--------|--------|---|
| خستگی از نقش والدینی خود | ۱۴/۲۱ | ۷/۹۷ | ۱ | | | | | | | | |
| تقابل با خود والدینی گذشته | ۱۵/۹۶ | ۸/۱۸ | ۰/۹۱۳* | ۱ | | | | | | | |
| احساس بی‌زاری از نقش والدینی | ۱۱/۶۸ | ۶/۴۷ | ۰/۸۶۸* | ۰/۸۴۴* | ۱ | | | | | | |
| فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدین | ۱۸/۶۴ | ۹/۵۱ | ۰/۹۰۰* | ۰/۸۹۵* | ۰/۷۹۷* | ۱ | | | | | |
| فرسودگی والدینی | ۶۰/۴۶ | ۳۰/۵۷ | ۰/۹۶۹* | ۰/۹۶۳* | ۰/۹۱۲* | ۰/۹۵۴* | ۱ | | | | |
| انضباط قاطعانه | ۱۵/۷۹ | ۷/۷۹ | -۰/۶۶۵* | -۰/۷۰۳* | -۰/۶۰۹* | -۰/۶۹۲* | -۰/۷۰۶* | ۱ | | | |
| بدرفتاری روانی | ۹/۵۴ | ۵/۴۷ | ۰/۵۳۹* | ۰/۶۴۷* | ۰/۵۵۳* | ۰/۵۷۵* | ۰/۶۰۹* | -۰/۴۴۸* | ۱ | | |
| بدرفتاری فیزیکی | ۲۳/۷۵ | ۱۳/۵۹ | ۰/۶۱۲* | ۰/۶۷۷* | ۰/۷۳۶* | ۰/۶۳۷* | ۰/۶۹۵* | -۰/۴۲۸* | ۰/۵۰۶* | ۱ | |
| بدرفتاری با کودک | ۴۹/۰۷ | ۱۴/۸۸ | ۰/۴۰۸* | ۰/۴۸۸* | ۰/۵۵۶* | ۰/۴۳۰* | ۰/۴۸۸* | -۰/۰۳۲ | ۰/۵۹۵* | ۰/۸۷۴* | ۱ |

* $P < 0.01$

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بدرفتاری با کودک با خستگی از نقش والدینی خود (۰/۴۰۸)، تقابل با خود والدینی گذشته (۰/۴۸۸)، احساس بی‌زاری از نقش والدینی (۰/۵۵۶) و فاصله عاطفی گرفتن از نقش والدین (۰/۴۳۰)، در سطح معنی داری ۰/۰۱ رابطه مثبت و معناداری دارند و در نهایت با فرسودگی والدینی (۰/۴۸۸) رابطه مثبت معناداری دارد.

فرضیه دوم: کنترل گری والد با بدرفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه دارد.

جدول (۵): ماتریس همبستگی کنترل گری والد با بدرفتاری با کودک

| متغیرها | M | SD | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
|-------------------|-------|-------|---------|---------|--------|---------|--------|---------|---------|--------|--------|----|
| گرما / عامل محبت | ۲۱/۷۵ | ۶/۶۵ | ۱ | | | | | | | | | |
| خصوصیت / پرخاشگری | ۱۴/۷۹ | ۵/۹۵ | *-۰/۷۸۶ | ۱ | | | | | | | | |
| بی تفاوتی / غفلت | ۱۲/۹۳ | ۵/۲۱ | ۰/۰۰۸ | ۰/۱۴۵ | ۱ | | | | | | | |
| رد تمایز نیافته | ۱۰/۷۱ | ۳/۰۶ | *-۰/۴۵۱ | *۰/۴۲۵ | *۰/۳۹۳ | ۱ | | | | | | |
| ضریب کنترل | ۱۰/۸۹ | ۳/۵۳ | -۰/۱۰۷ | -۰/۱۴۴ | -۰/۰۲۶ | ۰/۱۳۸ | ۱ | | | | | |
| کنترل گری والدین | ۷۱/۰۷ | ۸/۷۵ | ۰/۰۲۹ | *۰/۲۶۱ | *۰/۸۲۷ | *۰/۵۸۶ | *۰/۲۵۷ | ۱ | | | | |
| انضباط قاطعانه | ۱۵/۷۹ | ۷/۷۹ | *۰/۷۵۰ | *-۰/۶۰۹ | *۰/۲۰۸ | *-۰/۳۰۷ | *۰/۰۵۴ | *۰/۱۹۴ | ۱ | | | |
| بدرفتاری روانی | ۹/۵۴ | ۵/۴۷ | *-۰/۶۱۳ | *۰/۴۸۷ | *۰/۱۶۸ | *۰/۵۳۱ | *۰/۱۴۹ | *-۰/۴۴۸ | *۰/۲۱۲ | ۱ | | |
| بدرفتاری فیزیکی | ۲۳/۷۵ | ۱۳/۵۹ | *-۰/۶۸۳ | *۰/۵۳۲ | *۰/۰۱۷ | *۰/۳۵۰ | *۰/۳۶۳ | *۰/۱۲۲ | *-۰/۴۲۸ | *۰/۵۰۶ | ۱ | |
| بدرفتاری با کودک | ۴۹/۰۷ | ۱۴/۸۸ | *-۰/۴۵۶ | *۰/۳۴۶ | *۰/۱۸۶ | *۰/۳۵۴ | *۰/۴۱۵ | *۰/۲۹۱ | *-۰/۰۳۲ | *۰/۵۹۵ | *۰/۸۷۴ | ۱ |

* $P < 0.01$

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بدرفتاری با کودک با گرما / عامل محبت ($-۰/۴۵۶$) رابطه منفی و معنا دار و خصوصیت / پرخاشگری ($۰/۳۴۶$)، رد تمایز نیافته ($۰/۳۵۴$)، ضریب کنترل ($۰/۴۱۵$)، رابطه مثبت معناداری و با بی تفاوتی / غفلت ($۰/۱۸۶$)، رابطه معناداری ندارد. در نهایت با کنترل گری والدین ($۰/۲۹۱$) در سطح معنی داری $۰/۰۱$ رابطه مثبت معناداری دارد.

فرضیه سوم: بدرفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ بر اساس فرسودگی و کنترل گری والد قابل پیش‌بینی است.

جدول (۳): خلاصه مدل

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | دوربین واتسون |
|-----|--------------|------------|----------------------|---------------|
| ۱ | ۰/۵۵۲ | ۰/۳۰۴ | ۰/۲۸۷ | ۲/۳۴۸ |

جدول فوق نشان می‌دهد متغیرهای فرسودگی و کنترل گری والد می‌توانند ۳۰/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (بدرفتاری با کودک) را تبیین نماید.

جدول (۴): ضرایب مدل رگرسیونی

| مدل | ضرایب استاندارد نشده B | خطای استاندارد | ضرایب استاندارد شده | آماره تی | سطح معنی داری |
|-----|---------------------------|----------------|---------------------|----------|---------------|
| ۱ | ۴/۱۵۹ | ۱۱/۴۵۲ | | ۰/۳۶۳ | ۰/۷۱۷ |
| | ۰/۲۲۹ | ۰/۰۴۵ | ۰/۴۷۰ | ۵/۰۵۵ | ۰/۰۰۰ |
| | ۰/۴۳۷ | ۰/۱۵۸ | ۰/۲۵۷ | ۲/۷۶۶ | ۰/۰۰۷ |

با توجه به جدول فوق، فرسودگی و کنترل گری والد، به ترتیب با ضرایب ۰/۴۷۰ و ۰/۲۵۷ بطور معناداری پیش بینی کننده بدرفتاری با کودک می‌باشند. با توجه به این نتایج معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی بدرفتاری با کودک بصورت زیر می‌باشد.

$$\text{کنترل گری والد (۰/۲۵۷) + فرسودگی والد (۰/۴۷۰) = بد رفتاری با کودک}$$

بحث

در نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش " بین فرسودگی والد و بدرفتاری با کودک در دوره همه گیری کووید-۱۹ رابطه وجود دارد"، می‌توان گفت که بین فرسودگی والد و بدرفتاری با کودک در دوره همه گیری کووید-۱۹ رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که بین فرسودگی والد و انضباط قاطعانه رابطه معکوس و در مقابل بین فرسودگی والد با بدرفتاری روانی و فیزیکی رابطه مستقیمی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های میکلاچک و رزکام (۲۰۱۷)، لی ویگوروکس و همکاران (۲۰۱۷)، میکولاچک، رایس، آوالاسی و روزکام (۲۰۱۸)، زادافشار و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که والدگری زمانی که به عنوان نقشی با مسئولیت‌های پیوسته و فارغ از زمان و مکان نگریسته می‌شود، حرفه‌ای پیچیده و همراه با استرس است که اگر با عوامل حمایت کننده پشتیبانی نشود، در طول زمان موجب خستگی و در نهایت فرسودگی والدین از وظایف و مسئولیت‌های فرزندپروری خواهد شد. والدین فرسوده تجربیاتی از خستگی، فشار روانی، اضطراب و افسردگی دارند و آنقدر سرگرم مراقبت از دیگران هستند که از سلامت معنوی، بدنی و عاطفی خود غافل می‌شوند که این فرسودگی اثر خاصی بر غفلت و رفتارهای خشونت آمیز آن‌ها در قبال کودکان دارد (حسینی و اکبری، ۱۳۹۹).

پژوهش‌ها نشان داده که فرسودگی والدگری باعث افزایش ریسک رفتارهای غفلت‌آمیز و خشونت کلامی و جسمانی نسبت به کودکان می‌شود و در این میان به نظر می‌رسد فرسودگی والدگری بیش از فرسودگی شغلی منجر به رفتارهای غفلت‌آمیز و خشونت‌های کلامی و جسمانی نسبت به کودکان می‌شود (میکلاچک و رزکام، ۲۰۱۷).

گرفتاری (۲۰۲۰) معتقد است فرسودگی والدینی در نتیجه سطح بالای استرس فرزندپروری، عدم تطابق بین منابع لازم برای تربیت فرزندان و آنچه خانواده‌ها بدین منظور نیاز دارند، ایجاد می‌شود. در همین راستا نتایج مطالعات سورکیلا و اونولا (۲۰۲۰) و پارکز، سوئیتینگ و وایت (۲۰۱۵) نشان داد مشکلاتی چون بیکاری والدین، نداشتن امنیت مالی، سطح پایین حمایت از طرف خانواده و دوستان و نداشتن وقت کافی، می‌تواند خطر فرسودگی والدینی را افزایش دهد و این درحالی است که در همه گیری کووید-۱۹، مشکلات خانواده‌ها در این حوزه‌ها افزایش یافته است.

مانجا و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که در همه گیری کووید-۱۹ والدین به دلیل تشدید مشکلات، بیشتر در معرض فرسودگی والدینی هستند. همچنین نتایج مطالعات پریخیدکو، لانو و ویتون (۲۰۲۰)، شیخ‌الاسلامی، محمدی و سیداسماعیلی قمی (۱۳۹۵)، رزکام و همکاران (۲۰۱۸) و سجویانه، سانچز-رودریگوز، لبولنگر و کالاهان (۲۰۱۸) در راستای نتایج این بخش از پژوهش است.

بر پایه نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش "بین کنترل‌گری والد و بدرفتاری با کودک در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ رابطه وجود دارد"، می‌توان گفت که بین کنترل‌گری والد و بدرفتاری با کودک در دوره همه گیری کووید-۱۹ رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که بین پرخاشگری و طرد والد با بررفتاری با کودک رابطه مستقیم و بین پذیرش والد و بدرفتاری با کودک رابطه معکوس وجود دارد. (بین سایر مؤلفه‌های کنترل‌گری والد و بدرفتاری با کودک رابطه معناری مشاهده نشد. یافته فوق با نتایجی که از پژوهش‌های سلام و مونتس (۲۰۱۶)؛ به نقل از رضوی اصطهباناتی، (۱۳۹۵)، بامریند، لرزلر و اوونز (۲۰۱۰)، راتر، فیت و گارتنر^۱ (۲۰۱۱)؛ به نقل از رضوی اصطهباناتی، (۱۳۹۵) حاصل شد، همسویی دارد.

در تبیین یافته فوق می‌توان اظهار داشت کودکان والدینی که کنترل رفتاری بالایی دارند بیش از اختلالات درونی‌سازی، در خطر ابتلا به اختلالات برونی‌سازی، همچون اختلال نافرمانی مقابله‌ای هستند. ارتباط بین کنترل روانی و اختلالات درونی‌سازی به وسیله تأثیر بسیار مخرب این رفتارهای والدین در رشد استقلال و خودکارآمدی روانی کودکان می‌شود. والدینی که به نیازهای روانشناختی فرزند خود پاسخ مناسب نمی‌دهند؛ کودک را در معرض رفتاری‌های بازداری شده، منفعل‌گرانه، تحت سلطه بودن قرار می‌دهد (ابوکی، ۱۳۹۶).

کنترل رفتاری والدین بیش از اینکه بر استقلال روانی کودکان تأثیر بگذارد، سبب خود تنظیمی نامناسب و ناسازگاری با محیط در کودکان می‌شود. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد روش‌های کنترل روانی مانند القای اضطراب و القای احساس گناه که والدین بر فرزندان اعمال می‌کنند، بیشتر با ویژگی‌هایی که

عامل خطر برای ابتلا به اختلالات اضطرابی هستند مانند نگرانی از عدم رضایت دیگران و داشتن احساس گناه مرتبط می‌باشد. روش‌های کنترل رفتاری و اعمال محدودیت‌ها به طور نامناسب نیز هرچند با ویژگی‌هایی چون احساس شایستگی پایین^۱ و اعتماد به نفس پایین مرتبط است، با ویژگی‌های دیگری مانند ناسازگاری با محیط، لجبازی و نافرمانی ارتباط بیشتری دارد که این ویژگی‌ها در اختلالات برونی سازی بیشتر وجود دارد (ایوکی، ۱۳۹۶).

اگرچه برخی کودکان به صورت طبیعی زندگی را با مشکلات رفتاری پرخاشگرانه شروع می‌کنند، یک رابطه منفی و نامطلوب با والدین این مسئله را تشدید می‌کند. نظریه‌های دلبستگی و خودتعیینی، فرزندپروری نامطلوب ممکن است توانایی کودک برای برقرار کردن رابطه‌ای مطلوب را چه در مدرسه و چه در گروه همسالان تضعیف کند. با توجه به این، تقریباً تمامی ابعاد کنترل روانشناختی ممکن است احساس ناامنی در روابط والد-فرزند را افزایش دهند. ناامنی رابطه، اعتماد به نفس پایینتر در ارتباط با همسالان را رقم می‌زند و پرخاشگری به عنوان نوعی دفاع برجسته و پیشگیرانه در مقابل هر نوع تهدید ادراک شده پدیدار می‌شود و هر دو نوع پرخاشگری فیزیکی و رابطه‌ای به عنوان راهبردهای مناسب برای دفاع از خود در نظر گرفته می‌شوند (سوئنز و همکاران، ۲۰۱۲).

نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش "بدرفتاری با کودک در دوره همه گیری کووید ۱۹ بر اساس فرسودگی و کنترل گری والد قابل پیش بینی است"، می‌توان گفت که فرسودگی و کنترل گری والد توان پیش بینی کنندگی بدرفتاری با کودک را دارند.

در تبیین حاصل از این یافته می‌توان گفت که همه کودکان بدرفتاری‌هایی دارند که این بدرفتاری‌ها هنگام خستگی، گرسنگی، ترسیدن یا یادگیری مهارت‌های مستقل، طبیعی هستند. به‌ویژه زمان‌هایی که مجبورند در خانه بمانند و می‌توانند والدین را بسیار عصبی کنند. در این شرایط، ارتباط مناسب و صحیح با فرزندان و همچنین سبک فرزندپروری مناسب نقش مهمی در سلامت روانی کودکان داشته و قرنطینه خانگی و حتی در صورت لزوم قرنطینه کردن طولانی‌مدت را برای آنها تسهیل می‌کند (لانگ، لام و چنگ^۲، ۲۰۲۰).

مردم کشورهای مختلف و از جمله ایران در حال حاضر در دوره‌ای کم سابقه زندگی می‌کنند و همه‌گیری کووید-۱۹ با پیامدهای منفی زیادی برای آن‌ها به همراه بوده و منجر به تغییرات چشمگیری در همه‌ی جنبه‌های زندگی روزمره و از جمله مسائل رفتاری دانش آموزان شده است. از سوی دیگر والدین در حالی مسئولیت آموزش فرزندان نوپای خود را بر عهده دارند که تخصص لازم را در این زمینه نداشته و فشار روانی زیادی را در این رابطه متحمل می‌شوند. بسیاری از این تغییرات با خطر افزایش فرسودگی والدینی همراه است و این مسئله نگرانی‌های زیادی را به همراه دارد، چراکه در این شرایط احتمال بدرفتاری با کودک و بی‌توجهی عاطفی در والدینی که فرسودگی والدینی را تجربه می‌کنند، افزایش می‌یابد (شمالی احمدآبادی، برخوردار احمدآبادی، آریانپور، ۱۴۰۰).

از طرفی نیز، کنترل شدید والدین می‌تواند در تعامل والد-فرزندی مشکل ایجاد کند و در مقابل رهاسازی و عدم کنترل و نظارت والدین باعث می‌شود فرصت تجربیاتی را که معمولاً کودکان در هر دوره‌ی رشدی نیاز به مواجهه با آنها را دارند، از آنها دریغ کند و در نتیجه توانایی‌های مقابله‌ی کمتری در برابر منابع خطر و تهدید بیاموزند (ناندا، کوتچیک و گروور، ۲۰۱۲).

بر اساس مطالعات انجام شده، عواملی چون تجربه بدرفتاری و غفلت والدینی در کودکی (نورمن، بایامبا، دی، بوچارت، اسکات و ووس، ۲۰۱۲)، قربانی خشونت بودن (ویدوم، سزاجا و داتون، ۲۰۱۴) و تجربه مکرر فشارهای روانی و اقتصادی (گریفیت، ۲۰۲۰)، در بروز و تشدید بدرفتاری با کودک نقش دارد و از آنجا که این مشکلات در همه‌گیری کووید-۱۹، تشدید شده است (دیویا و گرین، ۲۰۲۰؛ به نقل از شمالی احمدآبادی و همکاران، ۱۴۰۰)، احتمال غفلت والدینی نیز افزایش خواهد یافت. فرسودگی والدینی خطر بزرگی بر سلامت روان والدین بوده (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۹) و با کاهش سلامت روانی نیز، خطر بروز مشکلاتی چون افسردگی، اضطراب و خشونت افزایش یافته و این مساله می‌تواند به رفتارهایی چون بدرفتاری منجر شود. پژوهش‌های قبلی نیز نشان داده است که استرس‌های والدین یک عامل خطر ساز برای خشونت خانگی و بالاخص بدرفتاری است و با افزایش سطح استرس در والدین، خطر سوف رفتارهای والدین در تربیت فرزندان نیز افزایش می‌یابد (رودریگز، ۲۰۱۰). همچنین با توجه به پیامدهای منفی بدرفتاری در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، مانند بروز مشکلات روانشناختی (فورتسون، کلونینس، مریک، گبیرت و الکساندر، ۲۰۱۶) و مشکلات جسمی (حاج یحیی، سوکار، حسن عباس و مالکا، ۲۰۱۹)؛ پرخاشگری به عنوان واکنشی به رابطه‌های غیر رضایت‌بخش و ناکام‌کننده با دیگران مهم، خصوصاً منابع دلبستگی (مانند والدین)، پدیدار می‌شود (شا و بل، ۱۹۹۳). به عبارتی پرخاشگری یکی از شاخص‌های مهم ناسازگاری روانشناختی محسوب می‌شود که کودکان وقتی از طرف والدین پذیرشی دریافت نمی‌کنند، نشان می‌دهند.

منابع

- ایوکی، مینا. (۱۳۹۶). نقش کنترل روانی و کنترل رفتاری والدین در نشانه‌های اختلالات اضطرابی کودکان و نوجوانان با میانجی‌گری کنترل ادراک شده بر تهدیدها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز.
- حسینی، لاله؛ اکبری، فائزه. (۱۳۹۹). مروری بر سندرم فرسودگی والدگری: نشانه‌ها، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن. هفتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- حلاج مزیدلوئی، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی نگرش والدین در مورد کودک آزاری در مراکز بهداشتی شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پزشکی تبریز.
- حیدری، فاضله؛ نریمانی، محمد؛ آقاجانی، سیف‌اله؛ بشرپور، سجاد. (۱۴۰۱). مدل یابی علی نشانه‌های اختلال سلوک بر اساس بدرفتاری دوره کودکی و طرد همسال با نقش میانجی نشخوار خشم: یک مطالعه توصیفی. دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۲۱، ۳۹۶-۳۷۷.
- رضوی اصطهباناتی، زینب السادات. (۱۳۹۵). رابطه‌ی کنترل والدین با پرخاشگری: نقش واسطه‌ای عزت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- زاد افشار، سارا؛ خردمند، محدثه؛ فرامرزی، سالار. (۱۴۰۰). ابعاد روانشناختی رابطه والد - کودک در همه‌گیری کووید-۱۹. رویش روان‌شناسی، ۱۰(۲)، ۱۶۰-۱۵۱.
- سبزه، بتول. (۱۳۹۹). چند راهکار برای کنترل بدرفتاری کودک. رشد پیش‌دبستانی، ۱۲(۴۳)، ۲۲-۲۰.
- شاهواروقی فراهانی، حسن. (۱۴۰۱). پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی نوجوانان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار والدین. ایده‌های نوین روانشناسی، ۱۳(۱۷)، ۱۲-۱.
- شمالی احمدآبادی، مهدی؛ برخوردار احمدآبادی، عاطفه؛ آریانپور، لیلیا. (۱۴۰۰). نقش فرسودگی والدینی در بدرفتاری با دانش‌آموزان ابتدایی در همه‌گیری کووید-۱۹. نشریه‌ی پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، ۲۴، ۳۲-۱۷.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ محمدی، نسیم؛ سیداسماعیلی قمی، نسترن. (۱۳۹۵). مقایسه‌ی استرس والدگری، شادکامی و انعطاف‌پذیری شناختی مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی و ناتوان یادگیری. ناتوانی‌های یادگیری ۵(۴)، ۴۲-۲۵.
- علم بیگی، فاطمه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی اضطراب در دانش‌آموزان دختر دبستانی براساس کمال‌گرایی و کنترل افراطی والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- میکاییلی، نیلوفر؛ زمانلو، خدیجه. (۱۳۹۱). بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری و نیز پیش‌بینی آن از طریق افسردگی و اضطراب والدین، سبک‌های دلبستگی و سلامت روانی نوجوانان پسر آنان. فصلنامه روان‌شناسی، افراد استثنایی، ۲(۵)، ۱۶۶-۱۴۵.

- Baumrind, D., Larzelere, R. E., & Owens, E. B. (2010). Effects of preschool parents' power assertive patterns and practices on adolescent development. *Parenting: Science and Practice*, 10(3), 157-201.
- Costa S, Santi G, di Fronso S, Montesano C, Di Gruttola F, Ciofi EG, et al. (2020). Athletes and adversities: Athletic identity and emotional regulation in time of COVID-19. *Sport Sci Health*, 16(4), 609-18. [PMID]
- Fortson, B. L., Klevins, J., Merrick, M. T., Gibert, L. K., & Alexander, S. P. (2016). Preventing child abuse and neglect: A technical package for policy, norm, and programmatic activities. Atlanta: National Center for Injury Prevention and Control, Center for Disease Control and Prevention.
- Griffith, A. K. (2020). Parental burnout and child maltreatment during the COVID-19 pandemic. *Journal of family violence*, 1-7.
- Haj-Yahia, M., Sokar, S., Hassan-Abbas, N., & Malka, M. (2019). The relationship between exposure to family violence in childhood and post-traumatic stress symptoms in young adulthood: the mediating role of social support. *Child Abuse & Neglect*, 92, 126-138.
- Hubert, Sarah., Aujoulat, Isabelle. (2018), Parental Burnout: When Exhausted Mothers Open Up, *Front Psychol*, 9, 1021.
- Jiao, W. Y., Wang, L. N., Liu, J., Fang, S. F., Jiao, F. Y., Pettoello-Mantovani, M., Somekh, E. (2020). Behavioral and Emotional Disorders in Children during the COVID-19 Epidemic. *The Journal of Pediatrics*, January.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181.
- Le Vigouroux, Sarah., Scola, Celine and Raes, Marie_Emilie and Mikolajczak, Moira and Roskam, Isabelle. (2017). The big five personality traits and parental burnout: protective and risk factors, *Personality and Individual Differences*, vol. 119, 216-219.
- León-del-Barco, B., Mendo-Lázaro, S., Polo-Del-Río, M. I., & López-Ramos, V. M. (2019). Parental psychological control and emotional and behavioral disorders among Spanish adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 16(3), 507.
- Leung, C. C., Lam, T. H., Cheng, K. K. (2020). Mass masking in the COVID-19 epidemic: people need guidance. *Lancet*, 395(10228), 945.
- Manja, S. A., Mohamad, I., Ismail, H., & Yusof, N. I. (2020). Covid-19: The Investigation On the Emotional Parental Burnout During Movement Control Order in Malaysia. *European Journal of Molecular & Clinical Medicine*, 7(2), 4912-4929.
- Mikolajczak, M., Gross, J. J., & Roskam, I. (2019). Parental burnout: what is it, and why does it matter? *Clinical Psychological Science*, 7(6), 1319-1329.
- Mikolajczak, M., Raes, M-E., Avalosse, H., Roskam, I. (2018). Exhausted parents: Sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family-functioning correlates of parental burnout. *J Child Fam Stud*, 27(2), 602-14.
- Mikolajczak, Moira., Roskam, Isabelle. (2017). *Le burn-out parental*, JACOB pub., First Edition, 336 pages.
- Mikolajczak, Moira., Brianda, Mariaelena., Avalosse, Herve., Roskam, Isabelle. (2018). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence, *Child abuse & neglect*, 80, 134-145.
- Nanda, M. M., Kotchick, B. A., & Grover, R. L. (2012). Parental psychological control and childhood anxiety: The mediating role of perceived lack of control. *Journal of Child and Family Studies*, 21(4), 637-645.

- Norman, R. E., Byambaa, M., De, R., Butchart, A., Scott, J., & Vos, T. (2012). The long-term health consequences of child physical abuse, emotional abuse, and neglect: a systematic review and meta-analysis. *PLoS Medicine*, 9(11), e1001349.
- Orgilés, M., Morales, A., Delvecchio, E., Mazzeschi, C., & Espada, J. P. (2020, April 21). Immediate psychological effects of the COVID-19 quarantine in youth from Italy and Spain.
- Parkes, A., Sweeting, H., & Wight, D. (2015). Parenting stress and parent support among mothers with high and low education. *Journal of Family Psychology*, 29(6), 907–918.
- Prikhidko, A., Long, H., & Wheaton, M. G. (2020). The Effect of Concerns About COVID-19 on Anxiety, Stress, Parental Burnout, and Emotion Regulation: The Role of Susceptibility to Digital Emotion Contagion. *Frontiers in public health*, 8, 894.
- Rodriguez, C. M. (2010). Parent-child aggression: association with child abuse potential and parenting styles. *Violence and Victims*, 25(6), 728–741.
- Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: the parental burnout assessment (PBA). *Frontiers in Psychology*, 9, 758.
- Séjourné, N., Sanchez-Rodriguez, R., Leboullenger, A., & Callahan, S. (2018). Maternal burn-out: an exploratory study. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 36(3), 276–288.
- Shaw, D. S., & Bell, R. Q. (1993). Developmental theories of parental contributors to antisocial behavior. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 21(5), 493-518.
- Sorkkila, M., & Aunola, K. (2020). Risk factors for parental burnout among Finnish parents: the role of socially prescribed perfectionism. *Journal of Child and Family Studies*, 29, 648–659.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Finkelhor, D., Moore, D. W., & Runyan, D. (1998). Identification of child maltreatment with the Parent-Child Conflict Tactics Scales: Development and psychometric data for a national sample of American parents. *Child abuse & neglect*, 22(4), 249-270.
- Vigouroux, S. L., Scola, C. (2018). Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *Front Psychol.* 9, 887.
- Widom, C. S., Czaja, S., & Dutton, M. A. (2014). Child abuse and neglect and intimate partner violence victimization and perpetration: a prospective investigation. *Child Abuse & Neglect*, 38(4), 650–663.
- Xie, X., Xue, Q., Zhou, Y., Zhu, K., Liu, Q., Zhang, J., & Song, R. (2020). Mental health status among children in home confinement during the coronavirus disease 2019 outbreak in Hubei Province, China.

Predicting Child Abuse during the Covid-19 Epidemic based on Parental Burnout and Control

Sedigheh Najafi¹, Mojtaba Amiri Majd²

Abstract

The aim of the current research was to predict child abuse during the covid-19 epidemic based on parental burnout and control. The research community was formed by all the mothers of preschool students in Qazvin city in 1401, of which 90 people were selected as a sample by multi-stage cluster sampling method. The tools used in this research were Strauss et al.'s (1998) parent-child conflict assessment questionnaire, Rozkam et al.'s (2018) parental burnout scale, and PARQ parental control questionnaire. Pearson's correlation coefficient and multivariate regression analysis were used to analyze the data. The findings showed that there is an inverse relationship between parental burnout and assertive discipline, and there is also a direct relationship between parental burnout and mental and physical abuse ($p<0.05$). Also, acceptance and affection have a direct relationship with firm discipline, but an inverse relationship with mental and physical abuse. Hostility/aggression also has an inverse relationship with firm discipline, but a direct relationship with mental and physical abuse. Parental rejection also has a direct relationship with mental abuse and an inverse relationship with physical abuse ($p<0.05$). No significant relationship was observed between other variables. The findings of this research show the importance of the relationship between parental fatigue and control and child abuse, and 30.4% of child abuse can be predicted by parental exhaustion and control.

Keywords: child abuse, parental burnout, parental control.

1. M.A. Department of Psychology, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran. Mo.Amiri@iaau.ac.ir